

اوکسانا آنتوننکو*

ناصر پور حسن**

چکیده

از دهه ۱۹۵۰ شوروی، به مدت چهار دهه، منبع اصلی تأمین سلاح‌های تعدادی از کشورهای عربی خاور میانه بود. پس از فروپاشی شوروی، روسیه مشتاقانه در پی تداوم و گسترش همکاری‌های نظامی با دولتهای منطقه برآمد، اما عواملی چون ضعف اقتصادی این کشور و ورود رقیبانی از جمهوریهای سابق شوروی به بازار تسلیحات خاور میانه موجب شد که هدف این کشور به طور کامل تحقق پیدا نکند. با نظر به راهبردهای همکاری‌های نظامی روسیه با کشورهای منطقه، روابط نظامی این کشور با ایران، سوریه، لیبی و امارات متحده عربی بین سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۲ در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. البته نویسنده روابط نظامی روسیه با دیگر کشورهای منطقه را هم به صورت گذرا مورد توجه قرار داده است. این پژوهش نشان می‌دهد که مسکو، به رغم فشارهای آمریکا و اسرائیل، همچنان به دنبال افزایش صادرات نظامی خود است، اگرچه خاور میانه در سلسله مراتب اهداف سیاست خارجی و امنیتی روس‌ها در اولویت قرار ندارد.

کلید واژه‌ها: سیاست خارجی روسیه، منطقه خاور میانه، جنگ سرد، همکاری‌های

نظامی، رقابت تسلیحاتی، سلاح‌های متعارف

* مدیر برنامه پژوهشی «روسیه و اوراسیا» در مؤسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی
Oksana Antonenko, "Russia's Military Involvement in the Middle East," *MERIA*, Vol. 5, No. 1, March 2001.

** کارشناس ارشد علوم سیاسی

فصلنامه مطالعات خاور میانه، سال دهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۲، صص ۱۷۶-۱۵۳

از دهه ۱۹۵۰ به بعد، به مدت چهار دهه، اتحاد جماهیر شوروی نقش کلیدی را در توسعه تواناییهای نظامی دولتهای عربی ایفا می کرد. شوروی در طول دوره جنگ سرد تجهیزات نظامی این کشورها را تهیه می کرد، افسران آنها را در مدارس نظامی خود آموزش می داد و مستشاران نظامی را به کشورهای متحد منطقه ای خود مانند مصر (قبل از ۱۹۷۲)، سوریه، لیبی، یمن، الجزایر و عراق می فرستاد. این فعالیتها در قالب رقابتهای شوروی با آمریکا برای نفوذ در منطقه خاورمیانه بود. این کمکها با شرایط مناسب، اغلب رایگان و یا به صورت وامهای بلندمدت بود که بسیاری از مواقع انتظاری به برگشت آنها نیز نبود. کمکهای اتحاد جماهیر شوروی برای تعدادی از کشورهای عربی از جنبه نظامی و ژئوپلیتیکی اهمیت داشت. اگرچه کمکهای شوروی منافع تاکتیکی و کوتاه مدتی را برای متحدانش در پی داشت، هرگز موجب برتری آنها در خلال منازعه اعراب-اسرائیل نگردید. دلایل زیادی درباره عدم کفایت و کارایی این کمکها وجود داشت. مهم ترین دلیل در این زمینه این بود که شوروی آموزشهای گزینشی و ناکافی به اقمار خود می داد و به همین جهت آنها توانایی ضعیفی برای جذب و استفاده از تسلیحات پیشرفته شوروی داشتند. اگرچه اتحاد جماهیر شوروی به سوریه و مصر، جنگنده های میگ ۲۱، سوخو ۷، تانک تی-۵۵ و سایر تجهیزات پیشرفته می داد، آنها هنوز از شکست خفت بار در جنگ ۱۹۶۷ رنج می برند.

شوروی بعدها، ۲۰ میلیارد دلار تسلیحات نظامی به سوریه داد، اما نیروهای نظامی سوریه به علت مشکلات سیاسی و امنیتی نتوانستند از آنها برای عملیات نظامی در لبنان قبل از اشغال استفاده کنند. این ناتوانی در خلال حمله اسرائیل به جنوب لبنان در سال ۱۹۸۲ به نمایش گذاشته شد؛ یعنی زمانی که ارتش سوریه به رغم ورود محموله های فراوان نظامی از مسکو نتوانست کاری از پیش ببرد. اکثر پیشرفتهایی که طی این سالها در تواناییهای نظامی سوریه اتفاق می افتاد، بیشتر ناشی از افزایش مهارت آنان در استفاده از سلاحهای قدیمی بود تا عرضه فناوری جدید از طرف اتحاد جماهیر شوروی. در حقیقت کمکهای نظامی شوروی قادر به جبران برتری نیروهای مجهزتر و آموزش دیده تر اسرائیلی که از هر جهت آماده تر

بودند، نبود. دومین دلیل در پایین بودن اثر کمکهای نظامی شوروی، محدودیتهای مسکو در ارسال تجهیزات پیشرفته ویژه (نظیر سلاحهای کشتار جمعی) به اقمارش به علت ترس از پروردن بحرانهایی بود که به طور مستقیم آن را در مقابل آمریکا قرار می داد. در حالی که برخی از تجهیزات جدید به کشورهای عربی داده می شد، جدیدترین و پیشرفته ترین تسلیحات نظیر موشکهای اس.اس-۱، اسکاد، و اس.اس.ام.اس ۲۵ هرگز به دست کشورهای مذکور نرسید. همکاری نظامی اتحاد جماهیر شوروی با دولتهای عرب یک معامله بزرگ در طول جنگ سرد- عرضه سلاحهای ارزان در مقابل نفوذ سیاسی- بود که برای هر دو طرف سود داشت. به هر حال حتی در طول دوره جنگ سرد نیز شوروی به طور کامل نتوانست رفتار اقمارش را به علت نفوذ سیاسی محدود کنترل نماید. از سوی دیگر، این معامله نیز برای همیشه توسط طرفین مورد قبول نبود به طوری که مصر در سال ۱۹۷۲ تمام روابط نظامی خود را با شوروی قطع کرد. در همین حال شوروی نتوانست به عراق در خلال جنگ خلیج فارس کمک نظامی کند.

پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، همکاریهای نظامی روسیه با دولتهای منطقه در مقایسه با دو اصل همکاریهای نظامی شوروی دچار تغییری مهم شد. از یک طرف، روسیه در موقعیتی نبود که بتواند از موضع یک کمک دهنده مالی بزرگ برای افزایش نفوذ سیاسی در متحدان سنتی شوروی مانند دوره قبل کمکهای نظامی گسترده ارسال نماید. به علاوه حتی تاکنون نیز ایفای نقش سیاسی در خاورمیانه به عنوان اولویت مهم سیاست خارجی و امنیتی روسیه مطرح نشده است، اگر هم گاهی اوقات بیانیه هایی صادر شده، عملاً پشتوانه ای واقعی نداشته است. از طرف دیگر، روسیه نمی توانست به منطقه سلاح صادر نکند؛ چون کاملاً به این مسئله متکی است. تمام تسلیحاتی که طی این مدت از روسیه به کشورهای منطقه خاورمیانه فروخته شده است، پروژه های صرفاً بازرگانی و تجاری بوده اند که توسط شرکتهای صادر کننده سلاح و یا تولید کنندگان خصوصی انجام می شده است. این مسئله به خوبی درباره ایران مصداق دارد؛ زیرا به رغم تحریمها و فشارهای آمریکا، همکاریهای نظامی طرفهای روسی با ایران قطع نشد. همچنین همکاریهای نظامی روسیه با لیبی، سوریه و

به نوعی با عراق تحت همین شرایط ادامه یافت. در نتیجه این دو تغییر مهم، همکاری نظامی با کشورهای خاورمیانه به رغم کاهش مقدار آن، ممکن است به طور بالقوه تأثیر مهم تری در امنیت منطقه داشته باشد. از یک سو، تلاشهای روسیه برای نفوذ در بزرگ ترین بازار اسلحه جهان هم اکنون با رقابت عرضه کنندگان جدید نظیر اوکراین، بلاروس، دولتهای اروپای شرقی، چین و کره شمالی - که همگی تجهیزات قدیمی روسی را نوسازی و با قیمت کمتری به فروش می‌رسانند - مواجه شده است. از این رو فروش تسلیحات بسیار پیشرفته، راهبرد مهم روس‌ها در بازاریابی آنها در منطقه خاورمیانه خواهد بود. در نهایت یکی از بخشهای بسیار مهم کمکهای نظامی خارجی مسکو در دوره پس از جنگ سرد، همکاری بخش خصوصی روسیه با برخی از کشورهای خاورمیانه است که بدون توجه به مسئله تحریمها به کار خود ادامه می‌دهند و حتی گاهی اوقات سیاست اعلام شده مسکو را نقض می‌کنند. بارزترین نمونه در این باره آموزش دانشجویان برخی از کشورهای خاورمیانه در زمینه موشکهای بالستیک در مراکز علمی و دانشگاههای مسکو است. از سوی دیگر، همین امکان برای کارشناسان نظامی بخش خصوصی روسیه در کشورهای مذکور فراهم است که با مزایای بالا، خدمت کنند. اغلب این افراد، مستشارانی نظامی هستند که در دوره اتحاد جماهیر شوروی در کشورهای خاورمیانه خدمت می‌کرده‌اند و حال با انعقاد قراردادهای خصوصی با دولتهای مذکور به خدمت خود ادامه می‌دهند. اتحاد جماهیر شوروی از دهه ۱۹۵۰ به بعد، ۸۰ هزار مستشار نظامی به خاورمیانه فرستاد و بیش از ۵۵ هزار نفر از کشورهای خاورمیانه برای تحصیل علوم نظامی به مدارس و آکادمی‌های نظامی شوروی اعزام می‌شدند. این در حالی است که براساس گفته منابع روسی، هم اکنون فقط ۳۶۰ کارشناس نظامی روسی، به طور رسمی در خاورمیانه فعالیت دارند و تنها ۲۷۰ افسر از کشورهای منطقه در مراکز نظامی روسیه تحصیل می‌کنند.^۱

راهبردهای همکاری نظامی

مهم‌ترین راهبردهای همکاری روسیه با خاورمیانه تاکنون شامل این موارد بوده است:

۱. فروش تسلیحات و تأمین قطعات تجهیزات نظامی که قبلاً صادر کرده است؛

۲. همکاریهای فنی، تعمیر و نوسازی تجهیزات ساخت شوروی و تهیه مهمات آن؛ ۳. تأمین مستشاران نظامی کشورهای خاورمیانه و آموزش افسران آنها در مدارس و آکادمیهای نظامی روسیه و تربیت متخصصانی برای استفاده و به کارگیری تجهیزات روسی؛ ۴. انجام پروژههای مشترک برای نوسازی تجهیزات روسی جهت فروش به کشور ثالث؛ ۵. ارتقای سیستم تسلیحاتی روسیه از طریق شرکت در نمایشگاههای نظامی خاورمیانه و رفت و آمد سطوح بالای نظامی و سیاسی؛ ۶. انتظار نوسازی تجهیزات روسی برای صدور به کشور ثالث.^۲ همه این راهبردها تقریباً در زمان اتحاد جماهیر شوروی نیز تعقیب می شده است. به هر حال میزان همکاری روسیه با نظامیان خاورمیانه در تمام حوزه های سنتی در طول دهه گذشته به شدت تنزل یافته است. به علاوه محدودیتهای مالی و ظهور رقیبانی بازمانده از اتحاد جماهیر شوروی و عرضه کنندگان خصوصی سلاح، عواملی اساسی هستند که حضور روسیه را در خاورمیانه محدودتر کرده اند. در همین حال کشورهای خاورمیانه نیز تمایل چندانی به خرید تسلیحات روسی ندارند، مگر اینکه نتوانند نیازهای خود را از سایر کشورها تأمین کنند. عامل اصلی چنین رویدادی، کاهش نفوذ روسیه در جهان به طور عام و در خاورمیانه به طور خاص است. خروج سریع و داوطلبانه روسیه، متحدان سابق شوروی را در مناطق راهبردی - با توجه به آسیب پذیری آنها - تنها گذاشت. در حالی که روسیه به شدت سرگرم توسعه روابط با اروپا و آمریکا بود، دولتهای عربی به دنبال متنوع کردن روابط نظامی و راهبردی خود با دیگران برآمدند. در زمانی که یوگنی پریماکف، وزیر خارجه وقت روسیه، تلاش کرد تا دوباره توجه روسیه را به خاورمیانه متمرکز کند، متوجه شد که قدرتهای بزرگ از بی اعتمادی دولتهای منطقه نسبت به روسیه استفاده کرده، جای آن را گرفته اند. همچنین بسیاری از کشورهای منطقه فهمیدند که روسیه تلاش می کند تا موقعیت یک قدرت بزرگ را یک بار دیگر به دست آورد، در حالی که قادر به تأمین پشتوانه مالی این جایگاه جدید نیست.

تلاشهای روسیه برای گسترش روابط با متحدان شوروی در خاورمیانه با شک و تردید کشورهای مذکور مواجه شده است. کشورهایی نظیر سوریه، یمن و لیبی هم اکنون می کوشند

خرید سلاح را به اهرمی در روابط خود با اروپا و آمریکا تبدیل کنند. به علاوه، بسیاری از کشورهای منطقه خاورمیانه به عدم استقلال روسیه در فروش تسلیحات خود پی برده‌اند. روسیه برخلاف آمریکا که همچنان منابع مالی اسرائیل، مصر و اردن را برای خرید تسلیحات نظامی تأمین می‌کند، هیچ‌گونه توانایی برای جلب حمایت متحدان قبلی خود ندارد، روسیه امروز بیشتر با ایران همکاری نظامی دارد و اگرچه روابط مسکو با تهران در سطح بالایی قرار دارد، این امر به معنای نفوذ گسترده روسیه در خاورمیانه قلمداد نمی‌شود. یکی دیگر از عوامل کاهش اعتبار روسیه در نزد متحدان عرب آن، ناشی از سیاستهای داخلی مسکو است. در طول دهه ۹۰ میان وزرای خارجه، دفاع و آژانسهای صدور سلاح روسیه، که از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ خود را به شدت تقویت کرده بودند، اختلاف نظر زیادی وجود داشت. این مسئله هم به اعتبار و هم به کارایی روسیه لطمه وارد کرد. هر یک از آژانسها دستور کار خاصی در خاورمیانه داشتند. از این رو به رغم سفر چندین هیأت بلندپایه روسی به منطقه، آنها موفق به عقد پیمانهای مهمی نشدند. همچنین از آنجا که آژانسهای روسی اطلاعات کمی درباره مذاکرات صدور تسلیحات داشتند، در مطبوعات روسیه بلوا به پا کردند و از این طریق موجب شدند تا مذاکرات مقامات روسیه با کشورهای خاورمیانه به نتیجه نرسد. در نهایت مهم‌ترین عامل ناکارایی همکاریهای نظامی روسیه با خاورمیانه به کیفیت پایین خدمات و تجهیزات نظامی روسی بر می‌گردد. قدرت نظامی روسیه در طول دهه ۹۰ بسیار افت کرد و این مسئله برای کشورهای خاورمیانه به خوبی قابل درک بود. هم‌اکنون نیروهای نظامی روسیه از نیروهای اکثر کشورهای عربی مجهزتر و آموزش دیده‌ترند، اما آنها چندان روسیه را قبول ندارند. بسیاری از کارشناسان خبره نظامی روسیه که به زبان عربی نیز مسلط هستند، امروزه به بخش بازرگانی رفته‌اند. آنهايي هم که در ارتش باقی مانده‌اند، به خوبی آگاهند که به علت فقدان منابع مالی، از نظر مهارت فنی برای آموزش و تربیت نیروهایشان عقب مانده‌اند. کیفیت آموزش نظامی برای تسلیحات مدرن ناکارآمد است، به علاوه مستشاران روسی که به کار نوسازی تجهیزات در کشورهای خاورمیانه سرگرمند، کارشان را با تأخیر بسیار زیاد انجام می‌دهند. عامل دیگری که می‌توان به عوامل بالا افزود این است که نسل نظامیان در

کشورهایی چون سوریه، لیبی، الجزایر، یمن و برخی دیگر از کشورهای خاورمیانه که قبلاً در روسیه آموزش دیده بودند و کاملاً به زبان روسی مسلط بودند، به تدریج جای خود را به نظامیانی می دهند که آموزش دیده غرب هستند و زبان روسی را نمی دانند. به رغم همه این مشکلات، روسیه همچنان می کوشد تا همکاریهای فنی- نظامی خود را در خاورمیانه حفظ و حتی گسترش دهد.

ایران

در طول دهه گذشته، ترتیبات همکاری نظامی روسیه با ایران بسیار گسترده بود. ایران پس از چین و هند، سومین بازار عمده تسلیحات روسی به حساب می آید. از هنگامی که دو کشور در سال ۱۹۸۹ توافق نامه همکاریهای فنی دوجانبه امضا کردند (این پیمان توسط اتحاد جماهیر شوروی به امضا رسید که برای روسیه به ارث ماند)، روسیه در حدود ۴ میلیارد دلار به ایران تجهیزات و خدمات نظامی فروخته است. براساس همین گزارش، ایران دو سوم از این مبلغ را به صورت پول نقد و بقیه را نیز به صورت کالا پرداخت کرده است. از این رو ایران یکی از مشتریان عمده سودآور برای مسکو محسوب می شود.^۳

همکاریهای ایران و روسیه در میان سایر مشتریان خاورمیانه ای مسکو، بیشتر شامل همکاریهای فنی و فروش طیفی از سیستمهای اسلحه می شود. روسیه بین سالهای ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۰، سه فروند زیردریایی Kilo-Class، بیش از ۲۰۰ دستگاه تانک تی-۷۲، ۱۰ فروند سوخو ۲۴ و ۸ فروند میگ ۲۹ به ایران فروخت. علاوه بر این، ایران توانست مجوز تولید تانکهای تی-۷۲ سی و خودروهای زرهی بی.ام.پی-۲ را از روسیه بگیرد. همچنین مسکو تعداد زیادی مستشار نظامی برای آموزش چگونگی استفاده از این تسلیحات پیشرفته و کمک به تولید تجهیزاتی که مجوز آنها گرفته شده بود، به ایران فرستاد. تعدادی از ایرانیان نیز در مدارس نظامی روسیه به تحصیل پرداختند. همچنین تعدادی از شاغلان بخش خصوصی روسیه - بیش از ۵۰۰ نفر- برای کار در امور فناوریهای نظامی مربوط به ایران رفتند. همکاریهای نظامی ایران و روسیه با ائتلاف راهبردی دو کشور مبنی بر جلوگیری از نفوذ

آمریکا و ترکیه در دریای خزر تقویت شد.^۴ به علاوه همکاری نظامی دو کشور با همکاریهای ایران و روسیه در سایر حوزه‌ها نظیر انرژی هسته‌ای، استخراج نفت و گاز و تجارت که در سال بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار می‌شد، هرچه بیشتر تقویت گردید. همکاری ایران و روسیه در زمینه هسته‌ای به عاملی برای تنش میان اسرائیل و آمریکا با مسکو تبدیل شد. دولت آمریکا فشارهای زیادی به روسیه برای کاهش همکاری و حتی رها کردن پروژه‌های خود در ایران وارد آورد. مسکو و واشنگتن در سال ۱۹۹۵ توافق نامه «گور-چرنومردین» را امضا کردند که براساس آن، روسیه متعهد شد چنانچه به فروش تسلیحات پیشرفته خود به ایران ادامه دهد، آمریکا محدودیتهایی در فروش فناوریهای پیشرفته به روسیه اعمال نماید. این توافق نامه مباحث مختلفی را در دو کشور ایجاد کرد. روس‌ها اظهار داشتند که آنان صرفاً در زمینه فناوری موشک و امور هسته‌ای محدود شده‌اند. کنگره آمریکا نیز کلینتون را متهم می‌کرد که به روسیه اجازه داده است تا فروش تسلیحات خود را شامل تانک، زیردریایی و ماشینهای رزمی پرسنلی به ایران تکمیل کند. کلینتون نیز در دفاع از خود مدعی بود که آنچه روسیه در زمینه صدور سلاح به ایران داده است، برهم خوردن موازنه قدرت در خلیج فارس نشده و تواناییهای تسلیحاتی ایران را افزایش نمی‌دهد.^۵ به هر حال، تعدادی از کشورها از جمله اسرائیل فشار زیادی به روسیه برای فروش تسلیحات به ایران اعمال کردند.

ولادیمیر پوتین، پس از روی کار آمدن، کوشید که توافق نامه «گور-چرنومردین» را منسوخ و فروش تسلیحات به ایران را از سر بگیرد. در این رابطه مسکو در نوامبر سال ۲۰۰۰ خروج خود را از توافق نامه مذکور به واشنگتن اعلام کرد و فروش تسلیحات متعارف به ایران را از سر گرفت.^۶ البته هنوز وضعیت حقوقی این توافق نامه مورد بحث است. به نظر می‌رسد که روسیه تسلیحات جدیدی به ایران صادر نمی‌کند، بلکه به نوسازی تجهیزات ایرانی ساخت شوروی سابق و عرضه قطعات یدکی ادامه می‌دهد. روسیه از این امر نگران است که بازار تسلیحات ایران به واسطه عرضه سلاح از طرف سایر کشورها نظیر چین، کره شمالی و حتی فرانسه از دست برود. کارشناسان روسی به آژانسهای صدور سلاح این کشور گفته‌اند که همکاریهای خود را با ایران به منظور اینکه روسیه به عمده‌ترین عرضه کننده برای برنامه ۲۵

ساله نوسازی تسلیحات ایران تبدیل شود، افزایش دهند.^۷ ایران نیز تمایل خود را برای خرید سوخو ۲۵- اس، تانک تی-۷۲، سیستم جدید دفاع هوایی اس ۳۰۰- پی.ام.یو.ا، سیستم دفاعی ۱۴ آر.ال. اس و نیز گرفتن مجوز تولید هواپیمای غیرنظامی توپولف ۳۳۴ بارها اعلام کرده است. برخی از کارشناسان روسیه می گویند اگر روسیه در آینده سلاح به ایران عرضه نکند، بخش زیادی از سلاحهایی که مسکو به سوریه می فروشد از آنجا به ایران فروخته خواهد شد. بسیاری از مفسران روسی می گویند که باید ارزش قراردادهای آنها با ایران به بیش از ۷ تا ۸ میلیون دلار برسد.

کمک روسیه به ایران در زمینه فناوری موشکی و اتمی هم نظرها را به خود جلب کرده است.^۸ اگرچه آمریکا مؤسسه ها، شرکتها و دانشمندان روسی را متهم می کند که بدون توجه به تحریمها به ایران کمک می کنند، کارشناسان روسی کمک دولتی را منکر می شوند. دولت اسرائیل در سال ۱۹۹۹ اعلام کرد که سیستم کنترل صدور تسلیحات به ایران هرچه بیشتر در حال فرسایش است. پوتین کوشیده است که کنترل دولت فدرال را در حوزه تسلیحات نظامی حساس و انتقال فناوری بیشتر کند. تنش روابط میان آمریکا و روسیه زمانی شدت گرفت که مسکو کمکهای خود را برای ساختن نیروگاه اتمی بوشهر از سر گرفت. روسیه چهار راکتور و توربین این نیروگاه را تهیه کرده است. آمریکا می گوید این نیروگاه توانایی ایران را برای برنامه های هسته ای نظامی افزایش می دهد و به همین جهت اوکراین را از همکاری با ایران در این زمینه بازداشته است. از نظر روس ها، فشارهای آمریکا بیشتر از عوامل تجاری ریشه می گیرد تا امنیتی. به علاوه، روسیه ضمن رد اتهامات آمریکا، ادعا می کند که کمکهای مسکو به تهران همانند کمکهای آمریکا به کره شمالی می باشد که بخشی از توافق نامه واشنگتن و پیونگ یانگ برای جلوگیری از توسعه تسلیحات هسته ای است. همچنین روسیه در تأیید مثبت بودن همکاری خود می افزاید که فعالیتهای هسته ای ایران در بوشهر تحت نظارت آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA) قرار دارد. این مشاجرات تاکنون نتوانسته است مانع از فعالیت کارشناسان روسی در بوشهر شود. همچنین روسیه به همکاری مستقیم با ایران در زمینه برنامه هسته ای، که به بوشهر ارتباطی ندارد، متهم شده است، اما هیچ گونه سندی در این باره وجود ندارد. یکی دیگر از ابعاد مخالفت اسرائیل و آمریکا درباره روابط نظامی تهران و مسکو، کمکهای روسیه به ایران برای توسعه فناوری

موشک‌های بالستیک است. گزارش‌های محرمانه آمریکا حکایت از انتقال فناوری اس.اس-۴ اس.اس.ام از روسیه به ایران و توسعه فناوری دو منظوره ماهواره‌های ارتباطاتی ملی است.^۹ [باید به یاد داشت] رژیم کنترل فناوری موشکی (MICR) که فدراسیون روسیه آن را امضا کرده، یک موافقت‌نامه اختیاری است نه یک پیمان. از آنجا که این موافقت‌نامه انواع زیادی از تسلیحات را شامل می‌شود، ممکن است به طور کامل نتوان صادراتی را که انجام می‌شود در چارچوب این موافقت‌نامه بررسی کرد. وزارت دفاع روسیه در فوریه ۱۹۹۸ طی بیانیه‌ای به طور رسمی اعلام کرد که هیچ توافق‌نامه و یا قراردادی با ایران یا سایر کشورهای خاورمیانه، در زمینه فناوری موشکی منعقد نکرده است. این بیانیه در ادامه، تکثیر موشک‌ها و گسترش فناوری آن را به عنوان تهدیدی جوی علیه روسیه یادآور شده بود. اما در این شرایط و در همین سال آمریکا براساس گزارش‌های محرمانه، چندین مؤسسه روسی را که به آموزش متخصصان ایرانی ادامه می‌دادند، تحریم کرد. آمریکا از روسیه خواست که تعهداتی مبنی بر عدم گسترش فناوری موشکی به واشنگتن بدهد. از زمانی که روسیه خط‌مشی جدید کنترل صادرات خود را اعلام کرده، بسیاری از مباحثات مناقشه‌انگیز در این باره فروکش کرده است. آمریکا در سال‌های پایانی دهه ۹۰ همچنان کمک‌های فنی روسیه به ایران را مورد توجه قرار داد. در مارس ۱۹۹۹ ناتان شارانسکی، وزیر صنعت و تجارت اسرائیل، روسیه را به عدم توجه کافی به جلوگیری از رخنه فناوری موشکی به ایران متهم کرد.^{۱۰} از همین رو اسرائیل تهدید کرد که قراردادهای خرید گاز طبیعی از روسیه را لغو خواهد کرد. در مقابل، مسکو ادعاهای آمریکا و اسرائیل را بی‌پایه خواند و تصریح کرد که مؤسسه‌های دفاعی و نظامی روسیه صرفاً فناوریهای غیرحساس به ایران می‌فروشند.

همکاری نظامی ایران و روسیه در جولای ۲۰۰۰ متعاقب سفر اولین هیأت نظامی روسی به ریاست لئونید ایواشوف، رئیس دپارتمان همکاری‌های بین‌الملل وزارت دفاع روسیه، به تهران افزایش یافت. نتیجه این دیدار، امضای توافق‌نامه‌ای بود که براساس آن قرار شد دو کشور درباره مسایل سیاسی و نظامی با یکدیگر به طور منظم مشورت کنند. سه حوزه مهمی که تهران و مسکو در این توافق‌نامه‌ها بر همکاری درباره آنها تأکید کردند، عبارت بود از

گسترش حضور آمریکا و ناتو در قفقاز جنوبی، حفظ موازنه قدرت در خاورمیانه و مسئله افغانستان.^{۱۱} پوتین اعلام کرده است که رابطه با ایران، عامل مهمی در راهبرد نفوذ روسیه در خاورمیانه محسوب می شود.

سوریه

برخلاف ایران که تنها در سال ۱۹۸۶ همکاری نظامی خود را با روسیه آغاز کرد، روابط سوریه- شوروی به اواسط دهه ۱۹۵۰ بر می گردد. همکاری مسکو و دمشق در طول آن سالها بسیار گسترده بود، به طوری که عرضه وسیع سلاح، آموزش افسران سوری و حضور شبکه گسترده ای از مستشاران نظامی در سوریه را در بر می گرفت. ارزش صدور تسلیحات شوروی به سوریه از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۱ بالغ بر ۲٫۶ میلیارد دلار می شد. این مقدار شامل ۶۵ سیستم پرتاب کننده موشکهای تاکتیکی و راهبردی، حدود ۵ هزار دستگاه تانک، ۱۲۰۰ فروند هواپیما، ۴۲۰۰ قبضه توپ و خمپاره و ۷۰ فروند کشتی جنگی می شد.^{۱۲} طی این مدت بیش از ۹۶۰۰ افسر سوری در مدارس نظامی اتحاد جماهیر شوروی آموزش دیدند.^{۱۳} بیش از ۹۰ درصد تجهیزات نظامی سوریه، ساخت شوروی بود و ۵۰۰ فروند هواپیما و ۴ هزار دستگاه تانک که روسی بودند نیز نیاز به نوسازی داشتند. صدور تسلیحات شوروی به سوریه از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۱ از ۱٫۴۷ میلیارد دلار به ۱٫۰۵ میلیارد دلار تنزل پیدا کرد.^{۱۴} دلیل این کاهش، درخواست روسیه برای پرداخت وجه آنها از سوریه بود. عرضه تسلیحات نظامی به سوریه از سال ۱۹۹۱ به این طرف، به استثنای قراردادی که به موجب آن تانکهای تی-۷۲ ای. در سال ۱۹۹۳-۱۹۹۲ به ارزش ۲۷۰ میلیون دلار فروخته شد، در مجموع به یک میلیارد دلار می رسید. براساس نظر تعدادی از مقامات رسمی و کارشناسان روسی، سوریه قابلیت آن را دارد که پس از چین و هند به سومین مشتری عمده روسیه تبدیل شود.^{۱۵} اما وضعیت اقتصادی ضعیف سوریه، حل نشدن مسئله بدهیها و ترس از رقابت شرکتهای بلاروس و اوکراینی، مسکو و سوریه را از توسعه همکاریهای فنی و نظامی اساسی باز داشت.

سوری ها در گذشته بارها اعلام کردند که روس ها نامزد بالقوه برای نوسازی نیروی نظامی آنها به شمار می روند. در سال ۱۹۹۶، یک کمیسیون دوجانبه روسی-سوری برای توسعه همکاریهای فنی-نظامی توافق نامه ای امضا کرد که براساس آن، یک محموله بزرگ از تفنگهای کلاشینکوف و مهمات آنها، موشکهای هدایت شونده ام-۱۱۷-ام، موشکهای ام-۱۱۳ برای انحراف سیستم موشکهای ضدتانک، راکت های آرپی جی-۷ و پرتاب کننده های آرپی جی-۲۹ با تجهیزات دید در شب معامله شد. همچنین روسیه نوسازی تانکهای تی-۵۵ و تی-۷۷ سوری را پذیرفت. ارزش این قرارداد حدود ۲ میلیارد دلار تخمین زده می شود. به هر حال، عدم توافق بر سر بدهیهای سوریه به روسیه و اصرار دمشق به کاهش قیمت تسلیحات و افزایش اقساط برای خریدهای آینده، منجر به عدم انعقاد یک قرارداد جامع شد. سوریه وجود ۱۱ میلیارد بدهی به روسیه را نمی پذیرفت و پیشنهاد می کرد که پرداخت بدهیهای خود را به تعویق بیندازد. روسیه انتظار زیادی داشت که با سفر حافظ اسد، رئیس جمهور فقید سوریه، به مسکو موانع همکاریهای فنی-نظامی دو کشور حل شود. به این منظور مسکو قبل از سفر اسد اعلام کرد که «آماده است بحث بدهیها را از سر بگیرد و توافق نامه جدید صدور سلاح به دمشق را امضا نماید» ولی در طول این سفر، هیچ گونه توافقی حاصل نشد. اسد بر طولانی کردن بازپرداخت قرارداد ۲ میلیارد دلاری اصرار داشت، اما روس ها مخالف دادن هر گونه وام جدید به سوریه بودند. در این میان، سایر جمهوریهای سابق اتحاد جماهیر شوروی شرایط بهتری برای معامله با دمشق اعلام کردند. یک شرکت اوکراینی موفق شد قرارداد نوسازی تانکهای تی-۵۵ را با سوریه منعقد کند. این شرکت امیدوار بود که در قرارداد دیگری در آینده ۳۰۰ تانک تی-۷۲ سوریه را نوسازی کند.

تاکنون سوریه و روسیه موفق شده اند یک قرارداد بزرگ برای فروش ۱۰۰۰ فروند موشک متیس-ام (که ناتو آنها را ای تی-۱۳ می نامد) و موشک ضدتانک کورنت-ای (ای تی-۱۴) به ارزش ۱۳۸ میلیون دلار منعقد نمایند. این قرارداد توجه آمریکا و اسرائیل را به خود جلب کرد. آمریکا در سال ۱۹۹۹ سه مؤسسه روسی تولید کننده سلاح را تحریم کرد. این مؤسسه ها در حال برنامه ریزی برای صدور سلاحهای ضد تانک پیشرفته به سوریه بودند.

به علاوه دولت کلینتون دادن کمکهای آمریکا به روسیه را به عدم تحویل سلاحهای پیشرفته مسکو به دمشق مرتبط کرد، ولی در مقابل، روسیه اعلام کرد که تحریمهای آمریکا را نقض کرده و به سوریه در سال ۱۹۹۹ موشک خواهد فروخت. اسرائیل موشک کورنت (ای تی-۱۴) را فروش نسل سوم از موشکهای هدایت شونده ضد تانک به سوریه عنوان کرد. هفته نامه جینز دیفنس اعلام کرد که «این موشک به طور عمده برای صادرات تولید شده و برد آن ۵ کیلومتر است.» استفاده از فناوری سیستم هدایت راکت که در آن پرتورادار در فضا به طور مستقیم به سمت هدف و در مسیر حرکت مطلوب راکت انتقال می یابد، افراد کمتر آموزش دیده را قادر می سازد تا آن را در عملیاتها به راحتی مورد استفاده قرار دهند. در حالی که موشک کورنت چالش عمده ای برای نبرد تانکهای اسرائیلی نیست، تهدیدی جدی برای نبرد در مناطق غیر متحرک نظیر جنوب لبنان و بلندیهای جولان به شمار می آید،^{۱۶} از این رو تهدیدی برای اسرائیل محسوب می شود.

همچنین، فروش چنین تجهیزاتی نقض تعهد روسیه است؛ چون مسکو تعهد کرده بود تنها سلاحهای تدافعی و قطعات یدکی سلاحهای فروخته شده به سوریه را در چارچوب قراردادهای قبلی به دمشق بدهد و نمی توانست سلاح تهاجمی به هیچ کشوری بفروشد.^{۱۷} برعکس، سفیر روسیه در دمشق در اکتبر ۱۹۹۹، اعلام کرد که «روسیه هر نوع سلاح پیشرفته ای را که سوریه نیاز داشته باشد، به آن کشور می دهد؛ چون سوریه تهدیدی جدی برای هیچ کشوری نیست و دمشق نیز مشمول تحریمهای بین المللی نمی شود.»^{۱۸} این مطلب اثبات کرد که روسیه قصد دارد به رغم مخالفت آمریکا و اسرائیل، بازار تسلیحات سوریه را منحصر به خود کند، ولی سوریه همچنان مسئله بدهیها را به عنوان مانع انعقاد قراردادهای جدید اعلام کرد. گزارشهایی وجود دارد که عربستان سعودی و حتی ایران سوریه را در نوسازی تجهیزات نظامی خود کمک مالی خواهند کرد، اما تاکنون هیچ گونه حرکتی در این راه صورت نگرفته است. به هر حال، صادر کنندگان روسی پیشنهادهای مختلفی برای سوریه دارند. در خلال دیدار ایگور ایوانوف از دمشق، او پیشنهاد کرد که «روسیه آماده است هواپیمای سوخو-۲۷، تانک تی-۸۰ و سیستم دفاع هوایی اس-۳۰۰ به دمشق بدهد و هواپیماهای

میگ- ۲۱ و میگ- ۲۳ و تانکهای تی- ۷۲ این کشور را نیز نوسازی کند.^{۱۹} کارشناسان می گویند این پروژه شامل ۲۰ فروند سوخو- ۲۷ یا هواپیماهای میگ- ۲۹، تعداد زیادی تانک تی- ۹۰ و بیش از ۱۰۰ فروند میگ- ۲۳ و میگ- ۲۱ می باشد.^{۲۰} همچنین گزارشهایی وجود دارد که روسیه با سوریه گفتگوهایی برای فروش موشکهای زمین به هوای اس- ۳۰۰ و سیستمهای دفاع هوایی انجام داده است. سوریه نیز برنامه ریزی کرده است تا تعدادی زیاد از افسران خود را در آکادمی های نظامی روسیه، به ویژه نیروی هوایی، آموزش دهد. همچنین گزارشهای تأیید نشده ای در مورد توافق دو کشور برای حضور نیروهای دریایی روسیه در سواحل مدیترانه ای سوریه وجود دارد.^{۲۱} به علاوه تعداد مستشاران نظامی روسیه در سوریه در حال افزایش است. در هر حال برآورده شدن تمامی انتظارات شرکتهای فروش تسلیحات روسی به سوریه مشکل است. اگرچه مقامهای رسمی دو کشور به افزایش مبادلات نظامی خوشبین هستند، به علت حل نشدن اختلافات، پیشرفت زیادی متصور نیست. با وجودی که مسئله فروش تسلیحات روسیه کاملاً با حل مسئله بدهیها مرتبط نیست، مقامهای رسمی روسی به ویژه در دولت پوتین برای هر گونه همکاری با سوریه شرایط سخت و محدود کننده ای را مطرح می کنند. از طرف دیگر نیز، مقامات دمشق معتقدند که قیمت محصولات روس نسبت به اوکراین، کره شمالی، چین و بلاروس بسیار بالا است. سوریه همچنین معتقد است اگر روسیه همچنان به نفوذ خود در منطقه امیدوار است، می توان به شرایط بهتری برای مدت پرداخت بدهیهای سوریه امید بست. در هر حال شرایط منطقه، سوریه را مجبور می کند تا زمانی که هیچ دولت دیگری با این شرایط وجود ندارد، تسلیحات روسیه را بپذیرد؛ هر چند که ممکن است صدور تسلیحات پیشرفته روسی باعث افزایش تنش میان آمریکا و روسیه از یک طرف و روسیه و اسرائیل از طرف دیگر شود.

لیبی

مقامهای رسمی روسیه بارها اعلام کرده اند که لیبی در صورتی که تحریمهای بین المللی علیه آن برداشته شود، بازار عمده ای برای صدور تسلیحات روسی است. همانند

سوری ها، صدور تسلیحات روسی به لیبی از مذاکرات حل نشده دوره اتحاد جماهیر شوروی رنج می برد و این مشکل با رقابت جمهوریهای سابق مانند اوکراین، بلاروس و قزاقستان و کشورهایی چون چین و کره شمالی دوچندان شده است. شوروی از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۱ بالغ بر ۱۹ میلیارد دلار تسلیحات نظامی به لیبی فروخت. در این دوره ۹۰ درصد از تجهیزات نظامی لیبی ساخت روسیه بود. تحریم لیبی موجب شد روسیه برنامه نوسازی نیروی هوایی لیبی و فروش میگ-۲۹ را که ارزش آن میلیاردها دلار بود، انجام ندهد. به هر حال، روسیه تاکنون به علت مسئله بدهیهای حل نشده لیبی که بخشی از آن شامل ۳ میلیارد دلار است و همچنین به دلیل تداوم تحریمها، نتوانسته است قراردادی مهم با لیبی امضا نماید. لیبی اصرار دارد که روسیه باید اقدامات منفی خود را که در دوره تحریمهای بین المللی علیه این کشور انجام داده، جبران نماید و قراردادهایی را که قبلاً امضا کرده به اجرا درآورد. اگرچه لیبی کارشناسان روسی را برای نوسازی تجهیزات قدیمی ساخت شوروی؛ از جمله، هواپیماهای سوخو-۲۴ استخدام کرده، نسبت به اجرای قرارداد نوسازی تسلیحات خود توسط این کارشناسان ناراضی است. دلیل عمده این مسئله، رقابت کشورهایی چون بلاروس، اوکراین و تعدادی از کشورهای اروپایی برای انعقاد چنین قراردادهایی است. شرایطی که اوکراین برای نوسازی تجهیزات لیبی پیشنهاد می دهد به مراتب بهتر از روس هاست؛ برای مثال، می توان به دستمزد کارشناسان اشاره کرد. در حالی که اوکراین برای کارشناسانش ۳۵۰ تا ۴۰۰ دلار درخواست می کند، روسیه بیش از ۱۰۰۰ دلار برای چنین خدمتی تقاضا کرده است. به علاوه، بازار قطعات یدکی برای تجهیزات شوروی سابق بسیار بزرگ است و شامل تعدادی از کشورهایی که قبلاً عضو پیمان ورشو بودند، می شود. این کشورها که هم اکنون دارای وضعیت بهتری برای نیروهای مسلح خود هستند، تجهیزات اضافی خود را می فروشند.

در این شرایط، روسیه تنها توانسته از میان ۴۰ قراردادی که لیبی برای نوسازی تجهیزات خود منعقد کرده است، تنها یک قرارداد را امضا نماید که آن هم توسط شرکت «پرومکسپورت» به ارزش ۱۰۰ میلیون دلار می باشد. این در حالی است که اوکراین و

بلاروس توانسته اند سهم بیشتری از این قراردادها را به خود اختصاص دهند. الیا کلیبانوف، معاون نخست وزیر روسیه در امور ساختار صنعتی- نظامی، در آگوست سال ۲۰۰۰ اعلام کرد که «روسیه انتظار دارد همکاریهای فنی- نظامی خود را با لیبی که تاکنون به علت تأخیر در تصمیم گیری سیاسی تریپولی به منظور همکاری گسترده نظامی با روسیه به تعویق افتاده است، به تدریج گسترش دهد.»^{۲۲} به هر حال روسیه تاکنون چند نوع تجهیزات جدید را به لیبی فروخته است، اما با رقابت عرضه کنندگان غربی مواجه شده است. براساس گفته ریوری رودین- سووا، رئیس گروه صنعتی اوبور نیتلنی سیستمی که سیستمهای دفاع هوایی نظیر اس-۳۰۰ را می فروشد، مسکو پیشنهاد داده است که سیستم دفاع هوایی لیبی را براساس اس-۳۰۰ پی ام وی-۱ و اس-۳۰۰ پی ام وی ۲ تجهیز نماید. البته این سیستم تا حدی قدیمی تر از سیستمی است که لیبی برای تجهیز سیستم دفاع هوایی خود درخواست کرده است. هنوز این مذاکرات به جایی نرسیده و احتمال می رود لیبی که منابع مالی هنگفتی را برای نوسازی تجهیزات نظامی در نظر گرفته است، با کشورهای غربی، قراردادهایی برای خرید تسلیحات جدید منعقد نماید. روسیه در آینده نزدیک برای افزایش حضور نظامی خود و توسعه همکاریهای نظامی با لیبی که «بازار سنتی شوروی» محسوب می شود، با مشکلات فراوانی مواجه خواهد شد. راهبردهای بازاریابی روسیه با این موانع مواجه است: نخست، حل نشدن اختلافهای قبلی دو کشور بر سر قراردادهایی که منعقد کرده بودند، موجب سلب اعتماد لیبی نسبت به روسیه می شود؛ دوم، عدم توانایی روسیه برای رقابت با جمهوریهای سابق و چین و کره شمالی به شانس مسکو ضربه می زند؛ و سوم، کشورهای خاورمیانه به این نتیجه رسیده اند که چون نقش روسیه در حال کاهش است، تمایل چندانی به خرید از این کشور ندارند.

امارات متحده عربی

با وجودی که امارات متحده عربی بخشی از بازار سنتی روسیه در خاورمیانه محسوب نمی شود، روابط نظامی دو کشور در دهه ۱۹۹۰ به سرعت افزایش پیدا کرده است.

امارات متحده عربی در سال ۱۹۹۸، پس از چین، هند و ایران چهارمین مشتری بزرگ تسلیحات نظامی روسیه بود. از آنجا که مسکو و امارات متحده بر سر مسایل مالی در دوره شوروی با یکدیگر مشکلی نداشتند و اماراتی‌ها بابت خرید تسلیحات جدید پول نقد می‌دادند، آژانسهای فروش تسلیحات با ولع بیشتری به امارات متحده اسلحه فروختند. امارات از سال ۱۹۹۲ تا سال ۲۰۰۰، ۵۹۱ دستگاه خودرو زرهی بی‌ام‌پی-۳ خرید که ارزش هر کدام ۸۰۰ هزار دلار بود. روسیه در ماه مه سال ۲۰۰۰ چند دستگاه تجهیزات متحرک پشتیبانی و نیز تجهیزات لازم برای نوسازی خودروهای بی‌ام‌پی-۳ به امارات فروخت. این اولین بار بود که روسیه این خودروها را نوسازی می‌کرد.^{۲۳} همچنین روسیه چهار فروند هواپیمای باربری ایلوشین-۷۶ در سال ۱۹۹۸ به امارات اجاره داد. روسیه انتظار بیشتری برای فروش تسلیحات خود به امارات متحده عربی دارد. مسکو در ۲۴ ماه می ۲۰۰۰ اعلام کرد که «معامله‌ای ۵۰۰ میلیون دلاری (سایر منابع رقم ۷۳۴ میلیون دلار را ذکر کرده‌اند) برای فروش سیستم ضد هوایی پانزیر-اس ۱ انجام داده است.» این سیستم یکی از سیستمهای پیشرفته ضد هوایی ساخت روسیه است که نقاط مهم را در برابر حملات تاکتیکی هواپیماها، بالگردها، موشکها، بمبها و موشکهای هدایت شده و سلاحهای دقیق حمایت می‌کند. این سیستم شامل موشکهایی است که از ۱ تا ۲۰ کیلومتر را پوشش می‌دهند و نیز توپهایی که شعاع ۲۰۰ متری تا ۴ کیلومتری مورد هدف آنها قرار می‌گیرند.^{۲۴} این قراردادها توسط دفتر طراحی تولا که سازنده سیستمهاست، منعقد شد.^{۲۵} امارات متحده عربی، ۳۰ درصد از هزینه تحقیقات و توسعه این قرار داد را ابتدا پرداخت. همچنین، روسیه دیگر سیستمهای پیشرفته‌ای چون هواپیمای بسیار سبک میگ-۳۱، بالگردهای تهاجمی کا-۵۰ و تانک تی-۹۰ ام‌بی تی را به امارات پیشنهاد خواهد کرد.^{۲۶}

بازار دیگر کشورهای خاورمیانه و دولتهای عربی

روسیه یک قرارداد گسترده نظامی با کویت در سال ۹۶-۱۹۹۵ امضا کرد که براساس آن، ۲۷ سیستم پرتاب موشک چند منظوره ۹-آ-۵۲ اسمرش به این کشور فروخت. ارزش

این قرارداد بالغ بر ۴۸ میلیون دلار برآورد شده است.^{۲۷} مسکو همچنین ۱۰۰ خودروی بی ام پی-۳ به کویت داده و طرحی را برای تعمیر و آماده سازی این ماشینها نیز آغاز کرده است. مسکو همکاریهای نظامی خود را با یمن نیز گسترش داده است. یمن یکی از اقمار همیشگی شوروی بود، اما مشکل اقتصادی و درخواست پول نقد از طرف روسیه همکاریهای دوجانبه نظامی را تحت تأثیر قرار داد. روسیه در جولای ۲۰۰۰ اولین محموله از تجهیزات نظامی از آغاز دهه ۱۹۹۰ را که شامل ۳۰ دستگاه تانک تی-۷۲ بود، به یمن فرستاد. متعاقب این معامله، ایگور سرگیف، وزیر دفاع روسیه، برای گسترش همکاریهای دوجانبه به یمن سفر کرد. به هر حال توسعه سریع همکاریهای نظامی دو کشور در آینده نزدیک مقدور نیست؛ چون یمن از سایر جمهوریهای سابق شوروی تجهیزاتی ارزان تر می خرد، برای مثال در سال ۱۹۹۵ توانست چهار فروند هواپیمای جنگنده سوخو-۲۲ را از اوکراین با قیمتی بسیار ارزان تر خریداری کند. همین تاکتیک توسط اردن دنبال می شود. امان گفتگوهایی با کشورهای اروپای شرقی و جمهوریهای سابق شوروی برای خرید تجهیزات نظامی خود انجام داده است. اردن همکاریهای نظامی خود را از سال ۱۹۸۲ با اتحاد جماهیر شوروی آغاز کرد و تا زمان فروپاشی شوروی یک میلیارد دلار از آن کشور خرید نظامی کرد. با وجودی که اردن در سال ۱۹۹۵، ۱۲۶ خودروی بی ام پی-۳ از روسیه خرید، از آن زمان تاکنون روابط نظامی دو کشور عملاً به صفر تقلیل پیدا کرده است. اردن تجهیزات خود را از رقبای عمده روسیه خریداری می کند، به طوری که در یک معامله در سال ۱۹۹۹، ۵۰ بی تی ار-۹۴ از اوکراین خرید. در آگوست ۲۰۰۰ یک نشریه مستقل نظامی روسیه گزارش داد که اردن و گرجستان به طور مشترک در حال توسعه طرحی برای تولید هواپیماهای سوخو-۲۵ اس هستند که می توانند آن را به کشورهای ثالث بفروشند.^{۲۸} کارشناسان صدور سلاح روسیه به اردن به عنوان یک بازار جذاب نگاه می کنند که از سویی نیازمند روسیه و کشورهای اروپای شرقی برای ایجاد موازنه ای به منظور حفظ استقلالش از کمکهای نظامی آمریکا است و در عین حال نیازمند نوسازی تجهیزات قبلی خود از شوروی است. با این همه در آینده نزدیک امیدی به انعقاد یک قرارداد عمده نظامی میان روسیه و اردن وجود ندارد.

همکاری نظامی روسیه با مصر از سال ۱۹۵۵ آغاز و عملاً در سال ۱۹۷۳ به پایان رسید. در طول آن دوره، اتحاد جماهیر شوروی مبلغ ۸٫۵ میلیارد دلار تجهیزات نظامی به قاهره فروخت. پس از فروپاشی شوروی، روسیه تلاش زیادی برای نوسازی تجهیزات نظامی مصر انجام داده است. براساس برآوردهای روسیه، ۷۰ درصد از سیستم هوایی، ۴۰ درصد هواپیماها، ۸۵ درصد سیستم توپخانه و ۴۵ درصد تانک‌هایی که مصر از اتحاد جماهیر شوروی سابق خریده، هم‌اکنون نیاز به نوسازی دارند.^{۲۹} به هر حال، انتظار روسیه برای انعقاد یک قرارداد نظامی مناسب با مصر ممکن نیست؛ چون آمریکا تجهیزات نظامی را با شرایط مساعد مالی به قاهره می‌دهد. روسیه و مصر در سال ۱۹۹۸ قراردادی امضا کردند که براساس آن، مسکو قطعات یدکی و اجزای الکترونیکی به ارزش ۲٫۷ میلیون دلار به قاهره می‌فروشد. همچنین مسکو ۲۰ فروند بالگرد می-۱۷ و موشک‌های زمین به هوا به ارزش ۱۲۵ میلیون دلار به مصر فروخت. قاهره از کیفیت خدمات تجهیزات روسی خشنود بود و احتمالاً به استفاده از شرکت‌های روسی برای نوسازی تجهیزات قدیمی خود ادامه خواهد داد.

یک مثال خوب درباره روابط گسترده نظامی روسیه با کشورهای عربی، الجزایر است. مسکو از سال ۱۹۶۲ به بعد، بالغ بر ۱۱ میلیارد دلار تجهیزات نظامی به الجزایر فروخته است. الجزایر در سال ۱۹۹۶ کوشید که با همکاری‌های راهبردی، روسیه را به نوسازی تسلیحات خود تشویق کند. از آن زمان به بعد روسیه و الجزایر موافقت‌نامه‌هایی برای توسعه تعدادی از سیستم‌های جاسوسی الکترونیک و رادیو الکترونیکی منعقد کرده‌اند. به علاوه، الجزایر علاقه مندی خود را به نوسازی سیستم دفاع هوایی این کشور براساس سیستم موشک‌های زمین به هوای اس-۳۰۰ پی‌ام‌وی-۱ روسیه و سیستم بهبود یافته دفاع هوایی سابق شوروی و نیز خرید هواپیماهای سوخو-۲۴ و نوسازی هواپیماهای میگ-۲۱ ابراز داشته است.^{۳۰} مسکو نیز برای توسعه سیستم گارد ساحلی و نیروی دریایی گفتگو‌هایی با الجزایر انجام داده است. روس‌ها به قراردادی بالغ بر ۴ میلیارد دلار چشم دوخته‌اند. اگرچه زمینه برای توسعه همکاری نظامی روسیه و الجزایر فراهم است، مشکلات چندی نیز بر سر راه توسعه بیشتر آن وجود دارد که از جمله می‌توان به بدهی ۴ میلیارد دلاری الجزایر به روسیه

اشاره کرد که تمایل الجزایر برای رفتن به سوی رقبای روسیه، یعنی اوکراین و بلاروس را برای نوسازی تجهیزات ساخت شوروی افزایش می دهد. رهبری الجزایر از این رقابتها برای کاهش قیمت خدمات بسیار سود جسته است.

اسرائیل

از زمانی که شیمون پرز، نخست وزیر اسرائیل، و پاول گراچف، وزیر دفاع روسیه، در دسامبر ۱۹۹۵ موافقت نامه دو جانبه پنج ساله همکاریهای نظامی را، که تا سال ۲۰۰۰ طول می کشید، امضا کردند، دو کشور به تعقیب توسعه همکاریهای نظامی خود پرداخته اند. برخلاف سایر کشورهای خاورمیانه، روسیه و اسرائیل به طور مشترک به توسعه تجهیزات روسی برای صدور به کشور ثالث پرداخته اند. به علاوه، اسرائیل به تنهایی فناوری خود را توسعه داده و سهم بزرگی از بازار سابق شوروی را برده است. با همکاری روسیه و اسرائیل، هواپیمای پیشرفته روسی به چین، هند، اروپای مرکزی و آفریقا فروخته شده اند. این همکاریها با استقبال بیشتری از طرف روسیه مواجه شده است؛ چون این کشور به دنبال پیدا کردن راههایی برای فروش تسلیحات خود به شرق آسیا و اروپاست. روسیه برای این کار نیازمند تأسیسات الکترونیکی خارجی برای تجهیزات خود است و صدور آنها بدون این تأسیسات غیر ممکن است. اگرچه همکاری روسیه با اسرائیل برای صدور تسلیحات روسی در بازار جهانی بسیار مهم است، صدهای مخالفی در روسیه در مقابل این همکاریها شنیده می شود. بسیاری از کارشناسان روسی معتقدند که اسرائیل سهم بیشتری از فروش تسلیحات مشترک می برد.^{۳۱} به علاوه، سایر کارشناسان معتقدند که گسترش همکاری با اسرائیل موجب تضعیف روابط روسیه با کشورهای عربی و خاورمیانه می شود. همچنین عده ای دیگر در روسیه می گویند اسرائیل نمی تواند یک شریک قابل اعتماد و راهبردی برای آینده روسیه باشد؛ چون نفوذ آمریکا بر این کشور ممکن است قراردادهای آینده دو کشور را از بین ببرد. مسئله اعتماد به اسرائیل در آوریل ۲۰۰۰، هنگامی که آمریکا از اسرائیل خواست تا قرارداد سیستم اخطار دهنده سریع هوایی را که در هواپیماهای روسی ای-۵۰ به چین فروخته می شود لغو

کند، آزمایش شد. ویلیام کوهن، وزیر دفاع وقت آمریکا، گفت: «این سیستم توازن قدرت در تنگه تایوان را تغییر داده و برای نیروهای آمریکا خطرناک است».^{۳۲} کوهن همچنین هشدار داد که «چین این سیستمها را به عراق و ایران می فروشد.» بر اثر فشارهای آمریکا، ایهود باراک، نخست وزیر اسرائیل، در دهم جولای ۲۰۰۰ این قرارداد را لغو کرد.^{۳۳} همکاریهای نظامی روسیه و اسرائیل با تداوم بحران در خاورمیانه در آینده گسترش خواهد یافت. این همکاریها از نظر مالی به سود هر دو خواهد بود. البته از نظر راهبردی بیشتر به سود روسیه خواهد بود؛ چون باید صادرات خود را ادامه دهد و تجهیزات بدون زیر سیستمهای الکترونیکی خریدار زیادی نخواهد داشت. اسرائیل نیز به این وسیله صادرات خود را به بازارهای سنتی و جدید افزایش خواهد داد. اما اسرائیل می داند که فناوریهای پیشرفته از طریق روسیه به کشورهای دشمن اسرائیل در خاورمیانه نیز انتقال می یابد.

نتیجه گیری

اگرچه میزان همکاریهای نظامی روسیه با کشورهای خاورمیانه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد تنزل پیدا کرده است، روسیه همچنان در بازارهای سنتی شوروی حضور دارد و حتی مسکو با دولتهایی چون کویت، امارات متحده عربی و اسرائیل روابط خود را توسعه داده است. در حالی که عرضه تسلیحات نظامی روسیه به طور عمده نوسازی تجهیزات ساخت شوروی است، تعدادی از قراردادهای نظامی که مسکو منعقد کرد، توازن نظامی در میان نیروهای نظامی منطقه را تغییر داده است؛ برای مثال، روسیه به ایران سه زیردریایی Kilo-Class فروخته، به سوریه موشکهای ضد تانک می فروشد و سیستم دفاع هوایی امارات متحده را تقویت می کند. هرچند که بسیاری از قراردادهای نظامی روسیه با کشورهای منطقه به علت مسایل بدهی قبلی راکد مانده، روسیه تعداد زیادی قرارداد با سوریه، لیبی، الجزایر و ایران منعقد کرده است که توازن قدرت را در منطقه برهم خواهد زد.

به رغم افزایش فشارهای آمریکا و اسرائیل، مسکو همچنان تصمیم به افزایش صادرات نظامی خود به منطقه را دارد. جدای از مسئله اقتصادی، آمریکا تلاش می کند که نقش روسیه

را در مسایل منطقه خاورمیانه به حداقل برساند و آن را به یک بازیگر حاشیه‌ای تبدیل کند. در محیط بی‌اعتمادی میان آمریکا و روسیه، واشنگتن از اهرمهای قوی برای جلوگیری از فعالیتهای روسیه در منطقه برخوردار نیست؛ برای نمونه، به رغم تلاش گسترده آمریکا و تحریمهای اعمال شده علیه ایران و سوریه، همکاریهای میان این کشور ادامه دارد. به هر حال تا زمانی که روسیه صرفاً از جنبه اقتصادی به روابط نظامی خود با کشورهای خاورمیانه بنگرد، در این زمینه دچار محدودیتهایی خواهد بود.



پاورقیها:

1. Yuri Morozov, "Strategiya Rossii V Oblasti Voenno-Technicheskogo Sotrudnichestva so Stranami Blizhnego Vostoka (Russia's Strategies for Military-Technical Cooperation with the Middle East", *Arms Export Journal* (Russia's AST Center), No. 3, 2000.
2. Ibid.
3. Andrei Volpin, "Russian Arms Sales Policy towards the Middle East," *The Washington Institute for Near East Policy Report*, October 1993, p. 14.
۴. معاون کمیته دفاعی دومای دولتی گفت: «جدا از منافع بازرگانی، ایران یک شریک منطقه ای است و همکاری ما با ایران درازمدت است.» رک:
Janes Defense Weekly, Vol. 33, Issue 016, April 19, 2000.
۵. سخنان جان بیکر، دستیار معاون وزیر خارجه، به نقل از:
Washington Post, October 26, 2000.
6. RFE/RL Newslines, Part I, November 27, 2000, Quoting *Vremya Novostei* and *Nezavisimaya Gazeta*.
7. Yuri Morozov, op.cit.
8. Steve Rodan, "Secret Israeli Data Reveals Iran Can Make Missile in Year", *Defense News*, October 6-12, 1997, cited in Stephen Blank, "The Spirit of Eternal Negation: Russia's Hour in the Middle East," *The Conflict Studies Research Center*, November 1998, p. 22.
9. Sources cited in Stephen Blank, op.cit.
10. *The James Town Monitor*, at: http://www.jamestown.org/pubs/view/mon/005/052_002.htm.
11. Paul Goble, "A Russian-Iranian Rapprochement," RFE/RL, at: <http://www.rferl.org/features/2000/07/f.ru.000.703124557.html>.
12. Vadim Kozyulin, "Russia and Syria: Military-Technical Bargaining," *Yadernyi Kontrol Digest*, Vol. 5, No. 3(15), Summer 2000.
13. Yuri Morozov, op.cit.
14. Andrei Volpin, op.cit., p. 13
15. Yuri Morozov, op.cit.
16. *Janes Defense Weekly*, Vol. 030, Issue 005, August 5, 1998.
17. David Hurst, "Russia Agrees to Sell Arms to Syria," *The Guardian*, April 29, 1994.
18. *Independent Military Review*, October 19, 1999; at: http://nvo.ng.ru/wars/1999-10-29/1_korotko.html
19. Vadim Kozyulin, op.cit.
20. Yuri Morozov, op.cit.
21. "Damascus Reportedly Offers Use of Naval Base to Russian Fleet in the Mediterranean," *Al-Quds*, April 2, 1999, cited in the BBC Summary of World Broadcasts, April 6, 1999.
22. *Independent Military Review*, No. 028, August 8, 2000.
23. "Russia Modernises United Arab Emirates' in Fanty Combat Vehicles," SEB SU/3833 S1/1 May 6, 2000.

24. *Independent Military Review*, No. 021, June 16, 2000.
25. *The Jamestown Foundation Monitor*, Vol. 6, Issue 105, at: http://www.jamestown.org/pubs/mon/006/105_001.htm.
26. Yuri Morozov, op.cit.
27. *Janes World Armies*.
28. *Independent Military Review*, August 18, 2000.
29. Yuri Morozov, op.cit.
30. Ibid.
31. Ibid.
32. *Janes Defense Weekly*, Vol. 033, Issue 016, April 19, 2000.
33. "China's Foreign Conventional Arms Acquisitions: Background and Analysis," *CRS Report for Congress*, October 10, 2000, Congressional Research Service, pp. CRS-20.